

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ •
نمبر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ •
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز •
تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شترت

سه‌شنبه ۴دی ۱۴۰۲ • ۲۲ جمادی‌الثانی ۱۴۴۶ • ۲۴ دسامبر ۲۰۲۴ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۰۰۸ • ۱۲ صفحه

اذان ظهرتهران ۱۲:۰۴ • اذان مغرب ۱۷:۱۷ • اذان صبح فردا ۵:۴۲ • طلوع آفتاب ۷:۱۲

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

اندوه‌خوانی

دولت نتوانسته است در این عرصه‌ها تغییرات

فیلتر بودن یا نبودن

مسئله این نیست

صادق رنگه

پذیرش واقعیت گاه سخت است و سخن‌گفتن از آن سخت‌تر. کتمان آن نه درد را درمان می‌کند، نه مشکل را مرتفع. اوضاع اقتصادی در بدترین وضعیت خود در دوران معاصر قرار دارد؛ اگرچه یک‌شبه به وجود نیامده و تیزی آن بر گرده دولت‌پزشکیان نیست، اما مسئولیت بهبود آن بر دوش دولت اوست، چشم‌انداز سیاست خارجی نیز در هاله‌ای از غبار است. غباری بس تیره چون هوای این روزهای تهران.

دولت نتوانسته است در این عرصه‌ها تغییرات ملموسی ایجاد کند، تنها ابزاری که می‌تواند نگاه مردم را به او و کلیت نظام بهبود ببخشد، تحقق وعده‌های اجتماعی است و گشایش روزه‌هایی که احساس «مردم بودن» را به جامعه بازگرداند. رفع فیلترینگ و موضوع حجاب از جمله وعده‌هایی بود که آقای پزشکیان در روزهای انتخابات برای کسب اعتماد و رأی مردم به آن متمسک شدند. این مسائل نه به ارتباط ما با دنیا کرده خورده است و نه به ناترازی انرژی و دخل و خرج دولت. اما بی‌تردید رابطه تنگاتنگی با امید مردم و تعلق خاطرشان به مفهوم وطن دارد.

با وجود وعده‌های متعدد مبنی بر رفع فیلترینگ، این موضوع همچنان مانند کلافی سردرگم رها شده است. هیچ خبر دندان‌گیری نیز از گشایش آن به بیرون درز نمی‌کند؛ با تابلوی «صدا ندهید! کارشناسان مشغول کارشناسی هستند». وزیر ارتباطات در آخرین اظهار نظر خود گفته‌اند: «شاید فیلترینگ به‌صورت گام به گام برداشته شود». به قول آقای کرباسچی «شاید هم نشود!» شما کجای این بازی هستید؟ ستار هاشمی‌پیش‌تر در واکنشی به اعتراضات مردمی، اظهار کرده بود که «مشکلات با کار کارشناسی حل می‌شود و نه غوغاسالاری». مردم چقدر سکوت کنند که کار کارشناسی رفع فیلترینگ تمام شود؟ چند جوان دیگر باید ناامید شوند و عزم هجرت کند تا بالاخره کار کارشناسی شما به نتیجه برسد؟ اصولا در این میان، سخن کدام کارشناس برای شما موفق است؟

به گفته بهزاد اکبری، مدیرعامل شرکت ارتباطات زیرساخت، «بیش از ۵۰ درصد ترافیک اینترنت در ایران از مسیر VPN عبور می‌کند. این مسئله نه‌تنها باعث کندی سرعت دسترسی کاربران شده، بلکه به افزایش آلودگی‌های سایبری و ایجاد مشکلات امنیتی منجر شده است». مجله فوربس نیز در گزارشی گفته است: «بیش از ۲۰ هزار ایرانی به اینترنت پرسرعت استارلینک دسترسی دارند» که با توجه به غیرقانونی بودن آن در ایران، رقم قابل توجهی است. در نظام‌های دموکراتیک، تعامل مثبت میان دولت و مردم نه‌تنها یک ضرورت است، بلکه عاملی است برای تسهیل در فرایند تصمیم‌گیری‌های کلیدی. سیاست‌مداران باسیاست یا سبمه همراهی مردم کارشان را پیش می‌برند، نه آنکه آن را غوغاساری بنامند و لشکرکشی خیابانی بخوانند.

مسئله حجاب هم همین است. ناتوانی خود در اقتاع جناح مخالف را به جایی دیگر حواله می‌کنیم. حتی اگر بخواهیم با نگاه آقای فؤاد ایزدی مردم را گوشزد دم توپ ببینیم، خوب است یادمان باشد، جوانانی که در هشت سال جنگ با عراق جانشان را در کف دست گرفته بودند نسلی بودند که کاباره و مسجد را با هم دیده بودند. چیزی که آنها را در مسیر دفاع از ایران قرار داد، همان مفهوم «مردم بودن» بود و تعلق به وطن، نه چیز دیگری. البته کسانی که در آن روزها در آمریکا زندگی می‌کردند، اگر اطلاعات کافی نداشتند، می‌توانند مثل من دهه شصتی از آنها که در

جنگ بوده‌اند بپرسند.

امروز که هر ایرانی بیش از یک فیلترشکن روی تلفن همراه خود دارد و به هر صورت راهش را به دنیای آزاد باز می‌کند، فیلتر بودن یا نبودن، مسئله نیست، مسئله احساس «مردم بودن» است، احساس با هم بودن. چشم‌انداز منطقه و سیاست خارجی بیش از پیش به ما نشان می‌دهد که ما سرزمینی دور و تنها در جهاتیم، احساس با هم بودن مردم را از آنان نگیرید.

ژاله علو روز گذشته سوم دی‌ماه، در ۹۷سالگی در بیمارستان شهرام تهران چشم از جهان فروبست. شوکت علو که بعدها نامش را به ژاله علو تغییر داد، سال‌ها در رادیو، سینما، تلویزیون و تئاتر ایران عاشقانه کارکرد و هرچه از او به یادگار مانده، آثار درخشانی است که هریک در حافظه تصویری و شنیداری ما جایگاه ویژه و والایی دارد. وقتی از زندگی هنری زنده‌یاد ژاله علو صحبت می‌کنیم، باید به گذشته‌های دور و روزهای کودکی‌اش برگردیم؛ دختری که در خانواده‌ای ادیب‌پرور به دنیا آمد. پدر—زرگ او خوش‌نویس بود. تأثیر حضور پدر—زرگ در زندگی او جاری و ساری بود؛ چراکه وقتی به او نقش فخراللسا «شازده احتجاب» پیشنهاد شد او چندان با نقش بیگانه نبود، چون پدر—زرکش ازخوش‌نویسان دوره قاجار بود. هرچند او هرگز در این فیلم ایفای نقش نکرد؛ چراکه بعدها بهمن فرمان‌آرا در کتاب «هفتادوپنج سال اول به روایت بهمن فرمان‌آرا» به این نکته اشاره کرد که بعد از اینکه از ژاله علو برای حضور در نقش «فخراللسا» دعوت کرد متوجه شد قد این بازیگر برای نقش زیادی بلند است و این موضوع را با علو در میان گذاشت و در نهایت ژاله علو پذیرفت که از بازی در این فیلم انصراف دهد. اما ماجرا به همین جا ختم نشد. سال‌ها بعد وقتی از بهمن فرمان‌آرا برای انکار فیلمی در موزه سینما دعوت شد، نگاهان ژاله علو را در مراسم می‌بیند و علو با لحن شوخ‌طبعانه همیشگی خود به فرمان‌آرا می‌گوید: «امیدوارم قدم اون‌قدر بلند نباشه که تونید فیلم رو ببینید!».

پدر ژاله علو با وجود ارتشی‌بودنش اهل شعر بوده است. قطعا حضور پدری اهل شعر و شاعری در نحوه زیست ژاله علو بی‌تأثیر نبود؛ چراکه بعد از آشنایی نسبی با خواندن و نوشتن، به توصیه پدرش حافظ و سعدی خوانی را آغاز کرد. ژاله علو بعدها از دانش‌سرای مقدماتی مستقیم وارد رادیو شد و در ابتدای حضورش در رادیو فقط اعلام برنامه می‌کرد. او از سال ۱۳۲۷ به‌طور جدی‌تری کار خود را در رادیو ادامه داد. در اولین نمایش رادیویی‌اش با پرویز خطیبی همکاری کرد و و از پایه‌گذاران برنامه «داستان شب» بود. البته باید به این نکته هم اشاره کرد که در زندگی هنری علو هیچ چیز برای



صاف و ساده

نگاهی به فلسفه شوخی و تأثیر آن بر ارتباط انسانی

شوخی کردن برای همدلی



قادر باستانی تبریزی

مدرس علوم ارتباطات اجتماعی

در وضعیت پیچیده‌ای که سردرگم شده‌ایم، یک شوخی به‌موقع می‌تواند حالت روحی‌مان را به‌کلی تغییر دهد و ناگهان ما را سر حال آورد.

دیوید شومبگر در کتابش با عنوان «شوخی‌کردن» اشاره می‌کند که وقتی با یکدیگر شوخی می‌کنیم، برخی جنبه‌های اخلاقی ممکن است در معرض خطر قرار گیرند. اینکه چگونه با دیگران شوخی می‌کنیم، نشان‌دهنده این است که رابطه ما با آنها چگونه است. شوخی‌ها، برخلاف لیف‌ها، به طور بداهه شکل می‌گیرند و نیازمند مشارکت فعال طرفین هستند. شوخی‌ها گفته نمی‌شوند، بلکه ساخته می‌شوند. به عبارت دیگر، وقتی می‌خواهیم شوخی کنیم، باید به نوعی اجازه این کار را از طرف مقابل داشته باشیم. در این صورت است که شوخی می‌تواند به ابزاری برای تقویت ارتباط متقابل تبدیل شود.

شوخی‌کردن به‌ویژه در موقعیت‌های اجتماعی، به ما این امکان را می‌دهد که احساسات پیچیده‌ای را که در روابط انسانی پیش می‌آیند، مدیریت کنیم و درعین‌حال ارتباطات مبتنی بر اعتماد و احترام متقابل برقرار کنیم. هرچند شوخی ممکن است پتانسیل ناراحت‌کردن دیگران را داشته باشد، اما در صورت انجام صحیح و با درک شرایط، به تقویت روابط کمک می‌کند و تأثیرات مثبت بر روابط انسانی دارد.

با این حال، شوخی می‌تواند آسیب‌زا هم باشد. از آنجا که شوخی می‌تواند مانند یک زبان خصوصی عمل کند و به طور ناخوسته گروه‌های دیگر را نادیده بگیرد یا حتی روابط قدرت نامتقارن را وخیم‌تر، کند. آسیب‌هایی را به



مراسم جشن ازدواج ۱۱۰ زوج معلول تحت عنوان «جشن ازدواج مهرانه» صبح یکشنبه با حضور جمعی از مسئولان شهری و بهزیستی پایتخت و خانواده زوج‌های معلول در برج میلاد تهران برگزار شد. عکس: اصغر خمسه، ایرنا

ژاله علو، بازیگر و دوبلور باسابقه سینما، تئاتر، رادیو و تلویزیون ایران در ۹۷سالگی درگذشت

خدا حافظ بانو

او جای رادیو را نگرفت. او کار در رادیو را عاشقانه دوست داشت و همواره به کارکردن در این رسانه وفادار بود. طبیعی است که ورود به عرصه تصویر برای خانم‌ها در آن زمان به‌راحتی امکان‌پذیر نبود. باین‌حال ژاله علو با رضایت خانواده به‌ویژه پدر نظامی‌اش وارد عرصه تصویر می‌شود و ابتدا تئاتر و بعد سینما و تلویزیون عرصه گسترده‌تری را برای هنرنمایی ژاله علو آماده کرد. اما بخش جذاب زندگی هنری او، حضورش در عرصه دوبله است. فیلم‌های بسیاری با صدای دلنشین و بی‌تکرار او دوبله شده است و البته او مدیریت دوبلاژ فیلم‌های ماندگار تاریخ سینما را بر عهده داشته است. سال‌های دور از خانه یا «اوشین» از جمله آثار ماندگار ژاله علو است. علو در گفت‌وگویی اشاره کرد که بعد از دوبله سریال «سال‌های دور از خانه» فیلم‌های ژاپنی زیادی را دوبله کرد. دوبله این سریال دو سال‌ونیم زمان برد و علو زمان دوبله این سریال کارهای بسیاری را رد کرد. برای ژاله علو تفاوت بین بازیگری و دوبله آنجا بود که در بازیگری تماما به احساس متکی بود و با حرکات صورت و بدن حسش را انتقال می‌داد، اما در دوبله باید تمامی آن احساسات را با صدایش بازسازی می‌کرد.

او در مجموعه تلویزیونی «امیر کبیر»، «روزی روزگاری»، «شیخ بهایی»، «مختارنامه» و بسیاری از فیلم‌های ماندگار سینمای ایران مثل «شیرین»، «روز واقعه»، «داش‌اکل»، «طوقی»، «مهمان مامان» و… ایفای نقش کرد. یساد و خاطره ژاله علو هیچ‌گاه از خاطره تصویری و شنیداری ما ایرانیان فراموش نخواهد شد.

خارجی‌خوانی

اسد و خانواده‌اش

چگونه گریختند؟

تا چند ساعت پس از سقوط دمشق و تصرف آن توسط «تحریرال‌شام»، خبری از «بشار اسد» نبود. حالا رایا جلابی، خبرنگار خاورمیانه روزنامه فایننشال‌تایمز، در گفت‌وگو با ۱۲ نفر، جزئیاتی درباره آخرین ساعات و نحوه فرار «اسد» و خانواده‌اش نوشته است. براساس ترجمه فرارو از این گزارش، شامگاه ۷ دسامبر، حوالی ساعت ۱۱ شب، همکاران قدیمی اسد که از کنار خانه‌اش عبور می‌کردند، با صحنه‌ای غیرمنتظره مواجه شدند: پست‌های نگهبانی خالی، ساختمان‌های متروک، چراغ‌های روشن، فنجان‌های قهوه نیمه‌خورده و لباس‌های نظامی پراکنده در خیابان؛ این نشانه‌ها گویای ترک ناگهانی رئیس‌جمهور و به پایگاه هوایی حمیمیم روسیه در شمال غرب سوریه منتقل شدند. پیش از ترک دمشق، اسد به ارتش خود دستور داد دفاقر و اسناد را نابود کنند، اما تسلیم‌شدن را اعلام نکرد. چهار ساعت پیش از فرار بشار اسد، حافظ اسد، پسر ۲۳ساله او، در پارکی نزدیک کاخ ریاست‌جمهوری با دوستانش وقت‌گذرانی می‌کرد. او به‌تازگی از روسیه بازگشته بود، جایی که از پایان‌نامه دکترای خود در علوم فیزیک و ریاضیات دفاع کرده بود. شاهدان می‌گویند که حافظ پس از آن به خانه بازگشت تا با پدرش شام بخورد. در همین زمان، شایعاتی مبنی‌بر اینکه بشار اسد قصد دارد سفرنظامی عمومی انجام دهد، برسرعت در دمشق و میان میلیون‌ها سوری گسترش یافت. این شایعات بسیاری را پای تلویزیون‌ها می‌خکوب کرد، اما سفرنظامی هیچ‌گاه انجام نشد.

بشار اسد و پسرش، با وجود حمایت روسیه، تا بامداد ۸ دسامبر در انتظار ماندند. سرانجام، اسد و پسرش به روسیه پرواز کردند. این اتفاق پایانی بر نهمین حاکمیت خانواده اسد بر سوریه بود. او بر این باور بود که جنگ داخلی پایان یافته است و امیدوار بود با جلب حمایت برخی کشورهای عربی و اروپایی، موقعیت بین‌المللی خود را احیا کند. اما فقط ۱۰ روز کافی بود تا با حمله‌ای برنامه‌ریزی‌شده، زمامداری‌اش از دست برود.

در روسیه، بشار اسد بار دیگر با همسرش، اسما الاسد، دیدار کرد. اسما، که در هفته‌های اخیر برای درمان سرطان در مسکو به سر می‌برد، به همراه والدینش در این کشور مستقر بود. دیروز کرملین شایعه طلاق آنها را تکذیب کرد. «فواز الاخرس»، پدر اسما که اخیرا از سوی آمریکا تحریم شده بود نیز در روسیه حضور داشت. فرزندان اسد، از جمله «زین» که در سورین ابوظبی تحصیل می‌کرد، اکنون به خانواده پیوسته‌اند. بشار اسد حتی نزدیک‌ترین اعضای خانواده، شامل پسرعموها، خواهران و برادران و دیگر بستگانش را در جریان فرار خود قرار نداد. یکی از منابع آگاه از جزئیات این فرار گفت: «تا یک ساعت قبل از فرار، او به اطرافیانش می‌گفت که همه چیز تحت کنترل است».

محمد جلالی، نخست‌وزیر وقت، در مصاحبه‌ای با شبکه العربیه گفت در ساعت ۱۰:۳۰ شب ۷ دسامبر با اسد تلفنی صحبت کرده و اسد یک جمله گفت، فردا خواهیم دید. او تأکید کرد: «این آخرین چیزی بود که از او شنیدیم. او دیگر به تماس‌های بعدی پاسخ نداد».

هرچند «اسد» با اقوام و نزدیکانش درباره فرارش سخن گفت و آنها را رها کرد، اما دست‌کم دو نفر از افراد کلیدی مالی خود، «یاسر ابراهیم» و «منصور عزام» را همراه خود برده است. آنان مسئول مدیریت دارایی‌های پنهان‌شده اسد در خارج از سوریه بوده‌اند.

با سقوط نظام اسد، موج گسترده‌ای از وفاداران و مقامات نزدیک به اسد دمشق را ترک کردند. بسیاری از آنها از طریق مرز زمینی به بیروت گریختند و در خانه‌های شخصی، آپارتمان‌های لوکس یا هتل‌های پنج ستاره مستقر شدند. هتل مجلل فینیقا بیروت، شاهد تجمع سوری‌هایی بود که با کیف‌های لوکس لویی‌ویتون، تجم‌مرغ آب‌بز و کیوی می‌خوردند و با صدای آرام درباره آینده خود و کشورشان گفت‌وگو می‌کردند.

اما کسانی که گذرنامه خارجی داشتند به اروپا گریختند، برخی دیگر به امارات متحده عربی رفتند و مقامات ارشد نظامی یا به روسیه منتقل شدند یا در لیبی مستقر شدند. در این میان، برادر کوچک‌تر بشار یعنی «ماهر اسد»، فرمانده لشکر چهارم ارتش، اندکی پیش از سقوط دمشق به اطرافیان خود هشدار داد که به لبنان فرار کنند. باین‌حال گفته می‌شود خودش از مرز به عراق گریخته اما اینکه آنجاست یا روسیه منتقل شده هنوز معلوم نیست. برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که چندین خانواده برجسته وفادار به نظام به سفارت روسیه در دمشق پناه بردند.

۳ میلیارد تومان

امتداد خبر داد «پرستو احمدی» دیروز به همراه وکلای خود به دادسرای ناحیه ۳۸ امنیت اخلاقی تهران مراجعه کرد و پس از تقیم اتهام با وثیقه سه میلیارد تومانی آزاد شد. همچنین نوازندگان کنسرت «فرضی» با وثیقه دو میلیارد تومانی بعد از تفهیم اتهام آزاد شدند. پس از انتشار ویدئوی ۲۱ آذر کنسرت اتهام آزاد شدند. ابتدا دو نوازنده آن «احسان بirq‌دار» و «سهیل فقیه‌نصیری» و سپس خواننده، به مدت چند ساعت بازداشت شدند.

یک متر

رئیس‌جمهور پاناما، خوزه راولول مولینو، پس از تهدیدات ترامپ مبنی‌بر بازس‌گیری کانال پاناما، در یک بیانیه ویدئویی تأکید کرد: «تمامی مترهای مربع کانال پاناما» و مناطق اطراف آن متعلق به پانامااست. او گفت کانال تحت کنترل هیچ قدرتی از جمله چین، اتحادیه اروپا یا ایالات متحده نیست و پاناما همچنان به احترام دیگر کشورها پایبند است و از آنها نیز خواهان احترام است. ترامپ نیز در پلتفرم تروث‌سوشال نوشت: «خواهیم دید». او همراه با انتشار عکسی از کانال پاناما نوشت: «به کانال ایالات متحده خوش آمدید!».